شهرآرا
۲شنبه
۳ مهر ۱۴۰۲
۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
شماره ۴۰۴۱
SHAHRARANEWS.IR
۱۰
فرهنگ و ادبیات

نگاهی به کتاب «سخن‌های دانندگان»

شاهنامه از زبان شاهنامه‌شناسان



احمد آفتابی
فعال فرهنگی

کتابی که قرار است امروز به معرفیِ آن بپردازیم، از آن دسته کتاب‌هایی است که جای خالی‌شان، در حوزه‌های مختلف پژوهشی و به‌ویژه پیرامون موضوع‌های جذاب، چالش‌برانگیز و مورد اختلاف تاریخی، به شدت احساس می‌شود؛ کتابی که آرزو می‌کنیم موارد مشابه آن، فراوان تدوین شود و علاقه‌مندان و به‌طور خاص، پژوهشگران آن عرصه از دانش بشری را، از وضعیت آخرین نظرات و ایده‌های متخصصان و محققان درگیر با آن عرصه، آگاه و بهره‌مند سازد؛ کتابی که با فراهم ساختن بستر مناسبی برای تبادل آرا و تضارب افکار، و به دور از آفات احتمالی مترتب بر نشست‌های حضوری، امکان آشنا شدن خواننده با «نظرِ» شماری از برجسته‌ترین استادان و صاحب‌نظران یک حوزه خاص علمی یا هنری (در اینجا، شاهنامه فردوسی)، پیرامون بخش‌های گوناگون آن حوزه و به ویژه موارد اختلافی را فراهم می‌کند. کتاب «سخن‌های دانندگان» که عنوان آن، بنا به آنچه شاهنامه‌پژوه‌بنام و استاد دانشگاه فردوسی مشهد، دکتر محمدجعفر یاحقی، در مقدمه کتاب (ص۸) آورده است، با نگاه به بیتی از شاهنامه (به آموختن چون فروتن شوی/ سخن‌های دانندگان بشنوی) انتخاب شده است، حاصل گردآوری پاسخ‌های ۲۹ شاهنامه‌شناس و استاد ادبیات و تاریخ به ۲۸ پرسش مکتوب ارسال شده برای آنان است، البته در کنار سه گفتار و گفت‌وگوی کوتاه با سه شاهنامه‌پژوه نام‌دار دیگر (دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر هلن گیوناشویلیِ گرجستانی و دکتر اولریش مارزلفِ آلمانی) که در مجموع، شمار صاحب‌نظرانی را که در این کتاب، با نظرات آن‌ها پیرامون شاهنامه و فردوسی آشنا می‌شویم به ۳۲ نفر می‌رساند؛ ۳۲ تنی که در حال حاضر، متخصص‌ترین شاهنامه‌شناسان در قید حیات ایران و جهان هستند و هر یک از آن‌ها، صاحب تألیفات متعدد و متنوع در زمینه شاهنامه، تصحیح آن، منظومه‌های پس از شاهنامه (مانند گرشاسپ‌نامه، کوش‌نامه، برزونامه و ...)، منابع مکتوب و احیانا شفاهی آن، تاریخ ایران باستان، زبان‌های باستانی، تاریخ خراسان بزرگ در سده‌های چهارم و پنجم هجری، و مواردی از این دست. در کنار ترکیب درخشان پاسخ‌دهندگان به پرسش‌های ۲۸ گانه، خود پرسش‌ها و تنوع و جامعیت آن‌ها، برتری دیگر کتاب حاضر است. پرسش‌هایی که ماحصل تلاش مشترک حامد مهراد (دانشجوی دکترای ادبیات حماسی در سال ۱۳۹۹) و دکتر یاحقی است، تقریبا تمامی قلمرو سؤالات اساسی پیرامون شاهنامه و خالق آن را پوشش می‌دهد. پرسش‌هایی که هم به زندگی فردوسی می‌پردازد (مانند پرسش‌هایی ناظر به مذهب فردوسی، پهلوی‌دانی او، نسبت حکیم توس با شعوبیه و ملی‌گرایی، و چرایی «حکیم» خواندن فرزانه توس) و هم به یگانه اثر جاودانش، شاهنامه (با پرسش‌هایی پیرامون منظومه‌های پس از شاهنامه و تأثیرپذیری آن‌ها از اثر فردوسی، نظریه منبع شفاهی داشتن آن، موضوع شاهنامه، دوگانه اسطوره و تاریخ در شاهنامه و چرایی برخوردهای سیاسی با این منظومه حماسی). البته در کنار این پرسش‌ها، چند پرسش جذاب و مفید برای اهالی کتاب و به ویژه پژوهشگران نیز وجود دارد که به یاری آن‌ها، می‌توان با دقت، مرز فعلی تحقیقات درباره شاهنامه و خالق آن را ترسیم کرد؛ پرسش‌هایی که به شدت به کار دانشجویان تحصیلات تکمیلی ادبیات و تاریخ و حتی رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی (برای انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که اتفاقا موضوع محوری یکی از سؤالات نیز هست) می‌آیند. برای آشنایی با موضوع‌های جدید پژوهشی و سپس، تعریف پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری. در واقع، پرسش‌هایی مانند «جای چه پژوهش‌هایی را خالی می‌بینید؟» یا «بهترین اثر پژوهشی و پژوهشگر در حوزه شاهنامه و ادب حماسی از نظر شما کدام‌اند؟» و پاسخ‌هایی که برجسته‌ترین شاهنامه‌پژوهان زنده به این پرسش‌ها داده‌اند، به نظر نگارنده این متن، برای یک دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری، حکم کیمیا دارد و ای کاش، چنین پرسش و پاسخ‌های مدونی، در دیگر شاخه‌های علوم محض و کاربردی و حتی در هنرهای زیبا موجود بود که امیدواریم به همت استادان و اهل فن، موجود شود. در پایان حیف است به چند نکته قابل استخراج از کتاب، به همراه شماره صفحه آن‌ها اشاره نکنیم: تعریف خلاصه و مفید دکتر سجاد آیدنلو از شاهنامه (ص۳۷) و تأکید ایشان بر «روش‌دانی» به عنوان شرط لازم برای انجام تحقیقات علمی و ادبی (ص۳۸)، نظر دکتر اردستانی درباره ریشه در اسطوره داشتن حماسه‌های طبیعی (ص۵۱) و برگزیدن «ادبِ سخن» به عنوان آموزه شاهنامه برای زندگی امروز (ص۶۰)، بدون شرح! (ص۷۹)، یادکردن دکتر امیدسالار که خود از بزرگان این رشته است، از دکتر خالقی مطلق با لفظ «استاد بنده» (ص۸۶) و در کُل، ادب، متانت و فروتنی دیگر استادان، حین یادکرد از یکدیگر در سراسر کتاب، رسم‌الخط انصافا متفاوت و ایده‌های بکر جویا جهانبخش (از ص۱۲۵ تا ۱۵۵)، نظر دکتر راشد محصل پیرامون شاهنامه که آن را یک آسیب‌شناسی کامل از اجتماع زمان فردوسی می‌داند (ص۲۰۴)، فروتنی دکتر حمید طبسی صاحب تألیفات بامحوریت شاهنامه که خود را شاهنامه‌خوان می‌دانند نه شاهنامه‌پژوه (ص۲۷۷)، دل‌پردرد دکتر قوام از وضع فعلی پژوهش در دانشگاه‌ها (از ص۳۰۰ تا ۳۰۷) و نیز دکتر کرامتی مقدم (ص۳۴۸)، آرا و شیوه بیان سِرِه دکتر کزازی (از ص۳۶۲ تا ۳۶۵) و سرانجام، نظر دکتر یاحقی درباره آموزه شاهنامه برای زندگی امروز که آن را «مدارا» می‌داند (ص۴۱۹): «مدارا خِرَد را برادر بُوَد».



سخن‌های دانندگان
به خواستاری و اشراف محمدجعفر یاحقی
و به کوشش حامد مهراد
نشر نگاه معاصر
چاپ اول ۱۴۰۰
۴۵۲ صفحه، ۱۱۰ هزار تومان

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستاری

ناویراسته ✗
در این حادثه که عصر روز گذشته اتفاق افتاد، دو نفر کشته شدند و یک نفر هم در بیمارستان تمام کرد.

ویراسته ✓
در این حادثه که عصر روز گذشته اتفاق افتاد، دو نفر کشته شدند و یک نفر هم در بیمارستان جان باخت.

نکته
اصطلاحات عامیانه را نباید در اخبار و نوشته‌های رسمی و غیرگفتاری به کار برد.

#زین_قند_پارسی

نگاهی به برخی از شاخص‌ترین آثار ادبیات داستانی جنگ در ایران (۱)

پژواک جنگ در ادبیات ایران



عکس: آلفرد یعقوب‌زاده

خادم

کندوکاو

همان‌طور که از خرمن کوب جنگ کشته و مجروح به جا می‌ماند، ادبیات هم خلق می‌شود. جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق که طولانی‌ترین جنگ قرن نیز لقب گرفت، مانند دیگر جنگ‌های بزرگ و کوچک جهان، بستری شد برای خلق ادبیات. شگفت اینکه نخستین اثر در حوزه ادبیات داستانی جنگ کمتر از سه ماه پس از آغاز درگیری منتشر شد. «وقتی که دود جنگ در آسمان دهکده دیده شد» در پاییز سال ۱۳۵۹ به بازار آمد. یک داستان بلند نوشته قاضی ربیحاوی که خود آبادانی است. «زمین سوخته» احمد محمود نیز اولین رمان با موضوع جنگ بود که سال ۱۳۶۱ منتشر شد و به فروشی چشمگیر رسید. این روند ادامه داشت تا همین امروز.

عده‌ای، آثار ادبیات داستانی را که با محوریت جنگ نوشته شده دسته‌بندی کرده‌اند و عنوان ادبیات ضد جنگ را روی دسته‌ای و نام ادبیات دفاع مقدس یا ادبیات مقاومت را روی دسته دیگر گذاشته‌اند. تقسیم‌بندی که نقدهای زیادی به آن وارد است. برخی نویسندگان جنگ رفته نیز آن را از بیخ و بن رد می‌کنند و جای بحث و گفت‌وگوی مفصل دارد که موضوع این نوشته نیست. اما واضح است که از نظر کمّی آثار شعاری و شعارزده و کلیشه‌ای دست بالا را داشته‌اند و در بسیاری موارد از حمایت‌های مالی و تبلیغاتی هم بهره برده‌اند. «زمین سوخته» احمد محمود سال‌ها توقیف بود و آثار کم مایه میدان‌دار. احمد دهقان یکی از کسانی بود که با نوشتن رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» تصویر متفاوتی از جنگ ارائه کرد. او خود در گفت‌وگویی اشاره کرده که زمانی این رمان را نوشته که فضایی غیرواقعی بر رمان و آثار ادبیات داستانی جنگ حکم‌فرما بوده است.

فارغ از هر نوع نگاه و دسته‌بندی، همان‌طور که محمد حنیف در کتاب «جنگ از سه دیدگاه: نقد و بررسی بیست رمان و داستان بلند جنگ» گفته است: «بهترین آثار ادبیات جنگ در جهان معمولا آثاری هستند که صرفا از مضمون جنگ سخن نگفته‌اند، بلکه در کنار این پدیده وجوه دیگرِ زندگی را با مضامین و نگاه‌های فلسفی و روان‌شناختی یا حتی عاشقانه به تصویر کشیده‌اند. در برخی از این آثار حتی جنگ نقش پس‌زمینه را ایفا می‌کند.» این علاوه بر ویژگی‌های یک اثر ادبی خوب مانند زبان، زاویه دید، شخصیت‌پردازی، پی‌رنگ و... است.

از میان آثار مایه‌دار و موفقی که با موضوع جنگ نوشته شده است، نگاهی به برخی از آن‌ها داشته‌ایم که آثاری شاخص و موفق بوده‌اند و توانسته‌اند توجه مخالف و موافق را جلب کنند. این گزارش در دو شماره منتشر می‌شود.

وقتی که دود جنگ در آسمان دهکده دیده شد

قاضی ربیحاوی

جنگ هر کسی را طوری غافل‌گیر می‌کند. قاضی ربیحاوی در ایوان خانه دانشجویی‌اش در خیابان وصال شیرازی در تهران نشسته بود که یک هواپیمای جنگنده رد شد و فرودگاه مهرآباد را بمباران کرد. جنگ برای او این‌طور آغاز شد. او آبادانی بود و خانواده‌اش هنوز در آن شهر بودند. به نیت آبادان از تهران حرکت کرد و با مشقت به آنجا رسید. شهر زیر بمباران بود. قاضی ربیحاوی که آن زمان ۲۴ ساله بود، به گفته خودش وقتی دید کاری از دستش برنمی‌آید شروع کرد به نوشتن آنچه داشت اتفاق می‌افتاد. نخستین اثر داستانی درباره جنگ خیلی زود، در پاییز ۱۳۵۹، دو سه ماه پس از آغاز جنگ نوشته شد و به شدت هم با استقبال روبه‌رو شد و یکی از پرفروش‌های زمان خودش شد و در همان سال از طرف شورای کتاب کودک و نوجوان به عنوان بهترین کتاب سال انتخاب شد.

«وقتی که دود جنگ...» نوولایی ۴۰ صفحه‌ای است که انتشارات یاشار آن را منتشر کرد. شخصیت اصلی این اثر پسرکی چهارده ساله به نام ناجی است که در بلبشوی اوضاع جنگ دنبال برادرش می‌گردد. ما در حین این جست‌وجو، جنگ را از دید کودکانه او می‌بینیم. مردم هنوز در شوک هستند و گیج و نتوانسته‌اند چرایی وقوع جنگ را بفهمند و تصمیم بگیرند که حالا چه باید بکنند.

زمین سوخته

احمد محمود

احمد محمود نویسنده جاافتاده و سرشناسی بود که جنگ شروع شد. جنوبی بود اما ساکن تهران. کوتاه زمانی پس از آغاز جنگ برادرش را از دست داد که جنگ در درو کردن زندگی شتاب دارد. او رفت به اهواز «در همان ۳ ماه اول بود که برادرم کشته شد. این بود که از تهران راه افتادم و رفتم جنوب، رفتم اهواز، رفتم سوسنگرد، رفتم هویزه [...] وقتی برگشتم، واقعا دلم تلنبار شده بود. برادرم هم کشته شده بود. دیدم چه مصیبتی را دارم تحمل می‌کنم و مردم چه تحملی دارند و چه آرام‌اند، مردم دیگر شهرها، چون تهران تا موشک نخورد، جنگ را حس نکردند. درد من این بی‌حسی و بی‌تفاوتی مناطق دور از جنگ بود. دلم می‌خواست لااقل مناطق دیگر مملکت ما بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. همین فکر وادارم کرد که بنشینم زمین سوخته را بنویسم. خب نوشتم، از آن هم استقبال شد. ۳۳ هزار نسخه در ۲ چاپ پی‌درپی.»۱

«زمین سوخته» نخستین رمان درباره جنگ بود و نخستین کتابی که نشر نو منتشر کرد. محمدرضا جعفری، مدیر این نشر، درباره انتشار این اثر گفته است: «اولین کتابی که [در نشر نو] چاپ کردیم، زمین سوخته از احمد محمود بود. باورتان نمی‌شود که در روز اول تمام ۱۰ هزار نسخه کتاب [درواقع ۱۱ هزار نسخه] فروش رفت و اصلا دور از انتظار بود.»۲

«زمین سوخته» در فروردین ماه سال ۱۳۶۱ منتشر شد و پس از حدود ۲ ماه چاپ دوم آن با شمارگان باورنکردنی ۲۲ هزار نسخه به بازار آمد و البته سرنوشتش همان سرنوشت دیگر آثار منتشر شده احمد محمود بود: توقیف. این رمان ۱۷ سال بعد، در سال ۱۳۷۸ اجازه انتشار گرفت و این بار نشر معین آن را - در چاپ سوم - با شمارگان ۴۴۰۰ نسخه منتشر کرد که باز هم با استقبال همراه شد. چاپ بیست و یکم زمین سوخته امسال - ۱۴۰۲ - به بازار آمد که نشان می‌دهد این اثر هنوز جاندار است. زمین سوخته روایت ۳ ماه اول جنگ است. روزهایی که با سردرگمی و غافلگیری شروع می‌شود و با نبرد و خون ادامه پیدا می‌کند. احمد محمود رئالیست، زمینِ سوخته را چنان زنده نوشت که عده‌ای آن را تا اندازه گزارشی مطبوعاتی پایین آوردند. محمود در پاسخ به این مواضع گفته است: «این اثری است کاملا رئالیستی مبتنی بر حوادث روز. اما نه چنان حوادثی که اثر را به گزارشی روزانه تبدیل کند -زمین سوخته گزارش نیست- هرچه از آن بیشتر فاصله زمانی بگیریم از وجه گزارشیِ آن کاسته می‌شود.»۳

سفر به گرای ۲۷۰ درجه

احمد دهقان

«مطمئنا داستان نمی‌تواند از جنگی جلوگیری کند، اما اقل کم می‌تواند دنیای پس از جنگ را تحمل‌پذیرتر کند. گرچه معتقدم داستان و اصولا هنر برای تحمل‌پذیرتر کردن زندگی ساخته شده‌اند، اما هر داستان جنگ می‌تواند نهیبی بر سر هر سیاستمدار و هر جنگ‌طلبی باشد تا قبل از وقوع هر جنگی، کمی به آن فکر کند. [...] جنگ، مهم‌ترین سوژه بشری است که نوشتن درباره آن کوهی از غم و امید به جا می‌گذارد. نوشتن از جنگ، آینه تمام‌نمایی برای نوشتن از درون ماست.»۴

این حرف‌های احمد دهقان که خودش جنگ را رخ تو رخ و بی‌فاصله درک کرده - او از پانزده سالگی به جبهه رفت و چند سالی میدان دید. میدان جنگ را، با همه دهشت‌ها و ترس‌ها و ایثارهایش - تلنگری است به خالقان و هواداران ادبیات شعاری و شعارزده. اصلا نخستین و مهم‌ترین رمانش را زمانی نوشت که احساس می‌کرد آن چهره‌ای که از جنگ نشان می‌دهند غیرواقعی و زیادی رمانتیک است: «"سفر به گرای ۲۷۰ درجه" را زمانی نوشتم که احساس کردم، رمان جنگ ما پر از صحنه‌هایی شده است که قهرمان قصه تیر می‌خورد، آرام به زمین می‌افتد، لبخندی می‌زند و روحش به آسمان می‌رود. این گونه قصه‌نویسی از کنه جنگ اطلاع نداشت. جنگ سخت‌ترین حادثه روی زمین است. داشتیم فراموش می‌کردیم که عده‌ای از آدم‌های این کشور این گونه جنگیدند، می‌خواستم داستانی بنویسم که اگر کهنه سربازی آن را خواند بگوید «جنگ همین بود» و اگر جوانی که جنگ را ندیده بود، آن را خواند بگوید «پس جنگ این بود». شخصیت علی را خواستم در آن صحنه نشان دهم تا اگر یک نفر درباره شهید شدن تصور خاصی نداشت، بداند که این گونه شهید می‌شدند. اگر شهید شدن سختی نداشته باشد، چه فایده دارد؟ بنابراین خواستم داستانی بنویسم که واقعی باشد به معنای کامل کلمه واقعی.» ۵

برخی به تصویر واقعی و البته تلخی که دهقان در آثارش خلق کرده خرده گرفته و می‌گیرند. اما کسی که حدود ۶۰ ماه در جبهه بوده و در ۱۲، ۱۳ عملیات شرکت کرده راوی قابل اعتمادی است، البته برای کسانی که پی واقعیت باشند.

شخصیت اصلی این رمان نوجوانی است -هم سن و سال نویسنده وقتی به جنگ رفت- به نام ناصر. فکر و ذکرش رفتن به جنگ است که عاقبت موفق می‌شود و با دوستش علی به خط مقدم می‌رود. در عملیات مهم کربلای ۵ بسیاری از دوستانش شهید می‌شوند و خودش هم مجروح می‌شود و به پشت جبهه بازمی‌گردد. پس از بهبود نامه‌ای از دوستانش به دستش می‌رسد و او دوباره راهی منطقه جنگی می‌شود.

«سفر به گرای ۲۷۰ درجه» سال ۱۳۷۵ منتشر شد و توجه بسیاری را به خود جلب کرد و جوایزی مانند جایزه جشنواره بیست سال ادبیات داستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جایزه بیست سال ادبیات پایداری را گرفت. این رمان به چند زبان ترجمه شده است و دهقان گفته است هنوز و هر سال ایمیل‌هایی دریافت می‌کند از دانشجویان کشورهای مختلف مانند امریکا که از بیخ در فرهنگی دیگر ریشه دارند، و آن‌ها در این فرسته‌های سوار بر امواج از هم‌ذات‌پنداری و درک شخصیت‌های این اثر می‌گویند. نویسنده را از این درک مشترک را توجه به نگاه انسانی می‌داند: «نگاه من این است که هر داستانی نگاه انسانی داشته باشد، موفق است. یعنی با زبان مشترک انسانی صحبت می‌کند. سعی کرده‌ام در داستان جنگ بزرگ میهنی‌مان این نگاه انسانی همواره وجود داشته باشد.» ۶

فال خون

داوود غفارزادگان

در نیمه دهه هفتاد، درست در همان سالی که «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» منتشر شد، رمانی کوتاه و کم‌برگ نیز به بازار آمد که صدای نو و دیگری بود در ادبیات جنگ. «فال خون» نوشته داوود غفارزادگان در جبهه مخالف، یعنی از عراق می‌گذشت. نگاه به آدم‌های طرف مقابل که در دوران جنگ آن‌ها را «دشمن» می‌خوانیم، نگاهی سنت‌شکنانه در فضای ادبی کشور بود.

فال خون داستان چهار روز آخر از زندگی سربازی عراقی است که چگونه مردن و حتی وضعیت جسمش پس از مرگ دغدغه ذهنی اوست. او اجساد ورم کرده و موش‌های حریصِ گوشت تن آدمیزاد زیاد دیده است. فکر می‌کند آیا پس از مرگ شباهتی به خودِ پیش از مرگش خواهد داشت؟ اما مسئله اصلی او این است که چه مرگی را انتخاب کند؛ مرگ کشدار و زجرآوری که سیستم قضایی عراق برایش کنار گذاشته یا مرگی خودخواسته؟ او به همراه ستوانی در مَقَری کوهستانی در حال دیده‌بانی و گرا دادن هستند. یک شب فال می‌گیرند و فال به آن‌ها می‌گوید به زودی خواهند مرد. روز بعد یک ستوان اطلاعاتی به مقر آن‌ها روی کوه می‌آید و بین دو ستوان جدالی پیش می‌آید، سرباز دخالت می‌کند و ستوان اطلاعاتی کشته می‌شود. در بحث بین ستوان و سرباز که هر کدام سعی دارند طوق تقصیر را به گردن دیگری بیندازند، سرباز می‌فهمد که در نبرد حقوقی پیش‌رو هیچ بختی برای پیروز شدن ندارد. ستوان را نیز می‌کشد. پس از کلنجار رفتن بسیار با خود، مرگش را انتخاب و گرای مقر خودش را به توپخانه خودی می‌دهد.

همان‌طور که خود غفارزادگان نیز گفته است، این رمان به طور مستقیم به جنگ نپرداخته، بلکه موقعیت‌های تراژیک انسان در جنگ را بیشتر مدنظر قرار داده است. او که در زمان جنگ معلم بوده و شاهد جای خالی روی نیمکت‌ها و غیبت‌های ابدی دانش‌آموزانش بوده، در گفت‌وگویی که با خبرگزاری مهر داشته درباره جنگ و تأثیرش بر زندگی و آدم‌ها گفته است: «وقتی جنگی در می‌گیرد تأثیرش را در همه ابعاد زندگی می‌گذارد. فرق نمی‌کند توی خط باشی یا پشت خط. چون در وضعیت جنگی قرار داری، جنگ مرگ و تباهی را میان تو و بقیه سرشکن می‌کند. البته کسی که در خط مقدم نشسته در اولویت قرار می‌گیرد، اما باقی هم سهم می‌برند. در طول دوره جنگ خواهرزاده و پسرخاله‌هایم شهید شدند. یک برادر نظامی هم داشتم که زندگی‌اش از هم پاشید؛ کوچک‌ترین برادرم که دانشجوی پیراپزشکی بود. خود من هم شاهد بودم که هر روز شاگردهایم می‌روند و دیگر برنمی‌گردند یا اینکه بدن تکه پاره‌شان برمی‌گشت. همه این‌ها جلو چشم من اتفاق می‌افتاد و توی جسم و جانم حک می‌شد و بعد هم به داستان‌هایم نشست تا جایی که اولین داستانی که برای کودک نوشتم داستانی جنگی بود که هنوز هم دارد تجدید چاپ می‌شود.»

«فال خون» را سال ۱۳۷۵ انتشارات قدیانی منتشر کرد، اما امتیاز انتشار آن اکنون در اختیار سوره مهر است. چاپ سیزدهم این کتاب سال ۱۳۹۶ به بازار آمد.



منابع
۱، ۳. حکایت حال، گفت‌وگو با احمد محمود، لیلی گلستان، نشر معین
۲. تاریخ شفاهی نشر ایران، عبدالحسین آذرنگ، نشر ققنوس
۴. بگذارید قلم من، تریبون آدم‌های بی‌تریبون باشد، گفت‌وگوی احمد دهقان با خبرآنلاین
۵، ۶. من صاحبخانه ادبیات جنگ هستم، تندروها مستأجرند، گفت‌وگوی احمد دهقان با تسنیم